روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ | ۲۶ رمضان ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۳۳ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Sunday - May 9, 2021

حدیث روز: کنزالعمال

پیامبر اسلام(ص): هر کس از شما در قسم خوردن جدی‌تر است به جهنم نزدیک‌تر است.

واحه: حافظ

در عشق خانقاه و خرابات فرق نیست
هر جا که هست پرتو روی حبیب هست

دعای روز بیست‌وششم ماه مبارک رمضان

اللهمّ اجْعَل سَعْیی فیهِ مَشْکوراً وذَنْبی فیهِ مَغْفوراً وعَمَلی فیهِ مَقْبولاً وعَیْبی فیهِ مَسْتوراً یا أسْمَعَ السّامعین.

خدایا قرار بده کوشش مرا در این ماه قدردانی شده و گناه مرا در این ماه آمرزیده و کردارم را در آن مورد قبول و عیب مرا در آن پوشیده‌ای شنواترین شنوایان.

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۱ | غروب آفتاب: ۱۹/۵۸
اذان مغرب: ۲۰/۱۷ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۲
اذان صبح (فردا): ۴/۲۷ | طلوع خورشید(فردا): ۰۶/۰۳

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اردبیل	اراک	بندرعباس	بجنورد	رشت	زاهدان	زنجان
۲۸ / ۱۸	۲۷ / ۷	۲۷ / ۱۱	۳۵ / ۲۴	۲۳ / ۱۲	۲۶ / ۱۶	۳۱ / ۱۶	۲۵ / ۹

امروز در تاریخ

درگذشت صادق هدایت، نویسنده (۱۳۳۰ش)

درگذشت ناصرگیتی‌جاه، بازیگر (۱۳۹۳ش)

تلنگر

جای نگرانی نیست

علیرضا رأفتی
روزنامه‌نگار

روز اول/ روز کارگر است. امروز هم پیامکی که هر سال با تغییرات کوچکی در کلمات برای تبریک این روز به دست کارگران می‌رسد با موفقیت خودش را به تلفن همراه هزاران کارگر در کشور رساند. کارگران معدن طزره دامغان هم مثل همه کارگران دو روز در سال پیامک تبریک دریافت می‌کنند؛ یکی روز تولدشان که بانک برخلاف ۳۶۴ روز دیگر که هشدار قسط عقب‌مانده می‌دهد، مهربان شده و تصدق‌شان می‌رود و دیگری هم همین روز کارگر. مسوولان هم در سخنرانی‌ها ابراز امیدواری می‌کنند که حقوق کارگر هرگز پایمال نخواهد شد و اصلا هم جای نگرانی نیست. کارگران مشغول کارند که ساعت ۱۲ ظهر همه جا تاریک می‌شود.

روز دوم/ دیروز ساعت ۱۲ ظهر سقف معدن طزره ریزش کرد و دو کارگر، میلاد روشنایی و اصغر افضلی در یکی از تونل‌های معدن محبوس شدند اما مسوولان می‌گویند اصلا جای نگرانی نیست. تیم امدادگری معادن تا دندان مسلح از تجهیزات است و آماده برای نجات این دو کارگر معدن.

روز سوم/ مسوولان می‌گویند ما در امدادگری معدن آنقدر مجهز و آماده هستیم که اصلا درخواست کمکی به هلال احمر هم ندادیم. امروز چند تیم دیگر هم به تیم امدادی اضافه کردیم و حتما به‌زودی خبرهای خوشی خواهیم داد.

روز چهارم/ مسؤولان ابراز امیدواری کرده‌اند عملیات نجات در حال پیگیری است و هنوز به دو کارگر عزیز نرسیده‌ایم اما تیم‌های امدادی که حالا تعدادشان به پنج تیم ۳۰ نفره رسیده، بیش از ۱۰۰ متر تونل حفر کرده و ۴۰۰ تن زغال‌سنگ بیرون کشیده‌اند که عزیزان‌مان را نجات دهند. یکی از خصوصیات بارز یک مدیر خوب این است که بتواند در هر مصاحبه عدد و ارقام را با جزئیات به سمع و نظر مردم برساند.

روز پنجم/ تیم‌هایی از هلال احمر هم به کمک تیم‌های امدادی معدن آمده‌اند و عملیات نجات با قوت بسیار بیشتری در حال انجام است. سگ‌های زنده‌یاب هلال احمر هم به تیم‌های نجات کمک می‌کنند که هر چه زودتر دو کارگر عزیز محبوس در معدن نجات پیدا کنند.

روز ششم/ عملیات نجات تمام شد. پیکر بی‌جان دو کارگر محبوس در یکی از تونل‌های ریزش کرده معدن پیدا شد. میلاد روشنایی در تاریکی معدن به خوابی عمیق رفته است؛ خوابی که دیگر زنگ هیچ پیامک تبریکی بیدارش نکند. مسؤولان معدن در تدارک مراسمی درخور برای این دو عزیز و تسلیت و دلجویی از خانواده‌های داغدارشان برآمده‌اند.

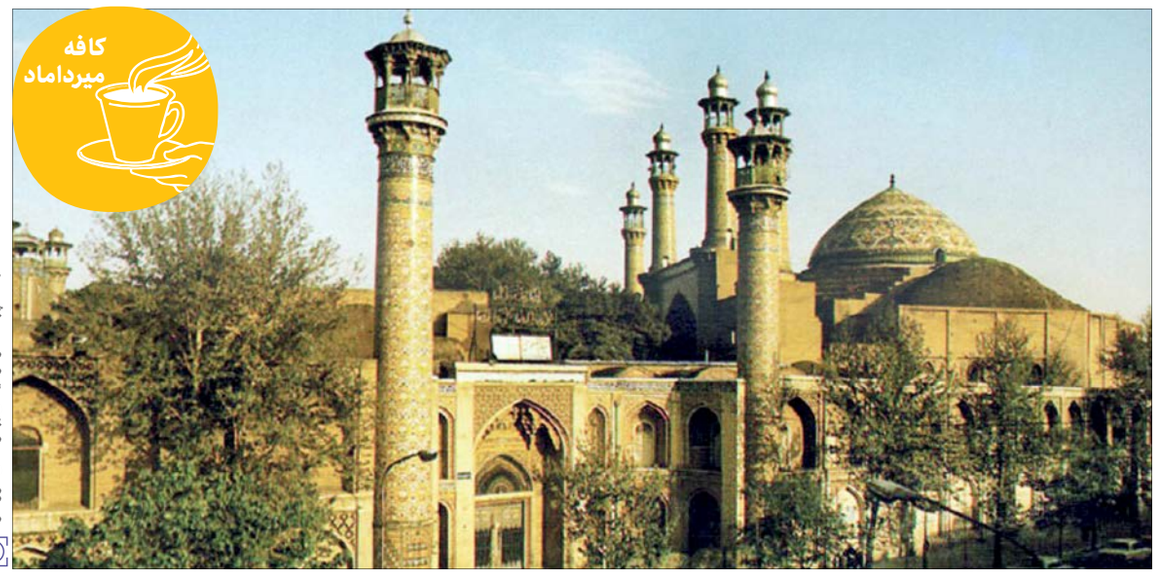

کافه میرداماد

مسجد سپهسالار در میدان بهارستان قرار دارد

گفت‌وگو با نصرا... حدادی؛ تهران‌شناس درباره مسجد سپهسالار

برلیانی درخشان در دل تهران بزرگ

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

قدیم‌ترها عبارتی بود به نام «باقیات‌الصالحات». بزرگان و اهل خرد و دین در گفته‌های خود مردم را تشویق می‌کردند که قبل از این‌که از این دنیا بروند، دست به کار خیری بزنند و کاری عام‌المنفعه انجام دهند تا بعد از مرگشان مردم از آن سود ببرند و برای آنها طلب آمرزش کنند. عبارت باقیات‌الصالحات آنقدر برای مردم تکرار شده بود که مثلا در تابستان کسبه محله‌ها یا حتی برخی مردم عادی در کنار مغازه یا خانه خود، ظرف آبی می‌گذاشتند تا تشنگان از آب بنوشند و از آنها کار نیکی در دنیا ثبت شود تا در آن دنیا دستشان را بگیرد و در این دنیا مسبب کار خوب باشند و باعث گسترش نیکی شوند تا شاید که دنیا جای بهتری برای زندگی شود. آنهایی که اما وضع مالی بهتری داشتند و به اصطلاح دستشان به دهانشان می‌رسید کارهای بزرگ‌تری می‌کردند؛ مثلا مدرسه، مسجد، یتیم‌خانه و... می‌ساختند و بچه‌های یتیم و فقیر را تحت پوشش می‌گرفتند؛ نه از آن جهت که کار دنیایشان بهتر شود و برای خود اسم و رسمی به هم بزنند بلکه فقط برای بر جای گذاشتن نام و روش نیک از خودشان تا هم دنیا جای بهتری شود برای زیست مردم و هم دعای خیر مردم به آنها برسد و خداوند آنها را بیامرزد.

بزرگ‌ترین و باشکوه‌ترین مسجد تهران

در این میان یک آدم باسواد و دنیا دیده که با مرام باقیات‌الصالحات بزرگ شده بود، دست به کار شد و در دوره ناصرالدین‌شاه، مسجدی ساخت در میدان بهارستان که به نام مسجد سپهسالار شهرت دارد. بانی این مسجد میرزا حسین‌خان سپهسالار قزوینی، صدراعظم ناصرالدین شاه بود. او تصمیم گرفت بزرگ‌ترین مسجد تهران را بسازد و از نظر همه صاحب‌نظران و معماران دوره خود استفاده کرد تا این مسجد باشکوه و زیبا باشد چنان‌که در دل همه جا بازکند و مردم برای نماز راهی این مسجد شوند. میرزا حسین‌خان بر این باور بود که مسجد او نمازگزار زیاد خواهد داشت چون هم در مرکز شهر قرار داشت و هم معماری‌اش چنان خواهد شد که بعید است کسی از کنار آن بگذرد و دلش بیاید بدون نماز خواندن در مسجد برود.

سپهسالار سال ۱۲۵۸ خورشیدی، ساخت این مسجد را شروع کرد، درست ۱۴۲ سال قبل در روزی مثل امروز. با نصرا... حدادی، تهران‌شناس هم‌صحبت شدم تا درباره این مسجد و زیبایی‌ها و جلال و جمالش برایمان بگوید.

حدادی می‌گوید: ساخت مسجد یکی از باقیات‌الصالحاتی بود که مردم دوست داشتند آن را انجام دهند. اگر خودشان آنقدر پول و ثروت نداشتند که مسجد بسازند اما آماده بودند که در ساخت آن مشارکت کنند؛ حتی اگر شده به اندازه چند خشت و آجر. سپهسالار اما از همه دارایی‌اش برای ساخت مسجد استفاده کرد و تخمه برلیان ارزشمندی داشت که آن را فروخت به ناصرالدین شاه تا بخشی از پول ساخت مسجد را فراهم کند. این برلیان آنقدر زیبا بود که ناصرالدین شاه آن را روزها در جیب لباسش نگه می‌داشت و روزها آن را مقابل نور می‌گذاشت و نگاه می‌کرد و لذت می‌برد. آن زمان در کنار هر مسجدی که ساخته می‌شد، مدرسه (حوزه علمیه‌ای) هم بنا می‌شد. در کنار مسجد سپهسالار، مدرسه‌ای هم ساخته شد. سپهسالار به عثمانی و دیگر کشورها هم سفر کرده بود و این کشورها را می‌شناخت به همین دلیل کنار مسجد و مدرسه، کتابخانه‌ای هم ساخت و برای آن ۳۰۰۰ کتاب خرید. مسجد سپهسالار نه تنها بزرگ‌ترین مسجد تهران بود که تنها مسجدی بود که کتابخانه هم داشت.

در حفظ مسجد کم‌کاری می‌شود

حدادی می‌گوید: تا چند دهه قبل مساجد به نام افراد بود، بنا به همان مرام باقیات‌الصالحات. مردم متمکن مسجد می‌ساختند حتی‌المقدور بزرگ و زیبا تا نام نیکی از خود به جای گذارند. مسجد نصیرالملک شیراز که به زیبایی زبانزد عام و خاص و ایرانیان و خارجیان است را نصیرالملک ساخته و به نام خودش است. مسجد سپهسالار هم باید به نام سپهسالار می‌ماند، دور تا دور این مسجد با کاشی نوشته شده وقف سپهسالار. نام موقوفه نباید تغییر کند که متاسفانه درباره مسجد و مدرسه سپهسالار این اتفاق افتاده و نام واقف و سازنده تغییر کرده و به نام شهید مطهری نامگذاری شده است. ساخت مسجد در ایران یک سنت بوده، حتی دزدان هم مسجد داشته‌اند. مسجد چالانچی را که در تقاطع خیابان سیروس و ۱۵ خرداد شرقی قرار دارد و بعد از پیروزی انقلاب، نامش به امام حسن (ع) تغییر کرد، سارقان ساخته‌اند (چالانچی یعنی سارق). آنها هم تلاش می‌کردند بعد از مرگ نام نیکی از خود به جای بگذارند. در هیچ جای دنیا، بنایی را که جزو میراث فرهنگی کشور است و باید قدر آن دانسته شود، در اختیار گروه‌های فیلمبرداری قرار نمی‌دهند که از آن به عنوان لوکیشن استفاده کنند. من با چشم خودم دیدم که زیر گنبد اصلی مسجد دکور زده بودند و داربست بسته بودند که از آن به عنوان لوکیشن یک کار تاریخی استفاده کنند. این جور کارها خیانت است به میراث فرهنگی. مسجد سپهسالار وقف است و سپهسالار کلی موقوفه به نام این مسجد کرده بود که از محل آنها برای نگهداری مسجد هزینه شود اما سال‌هاست از این بنای زیبا و تاریخی مراقبت درست و حسابی نمی‌شود. یک بار آمدند مرمتش کنند، خرابش کردند و دو تا ستاره داوود گذاشتند روی گنبد. این مسجد برای میرزا حسین‌خان آنقدر اهمیت داشت که به برادرش وصیت کرد اگر او از دنیا رفت، برادر کارش را ادامه دهد و نگذارد کار نیمه‌تمام بماند. استاد لرزاده که یکی از بزرگ‌ترین معماران ایران است، حدود هفت سال برای ساخت و مرمت این مسجد وقت گذاشت.

مسجدی با ۲ تالار برای زمستان و تابستان

حدادی می‌گوید: ساخت مسجد یکی از هنرهای مهم و با شکوه ایرانی-اسلامی است. ایرانیان اوج معماری خود بعد از اسلام آوردن در ساخت مسجد بروز دادند. گنبد و گلدسته برای معماری ایرانیان است. هند با آن عظمت و بزرگی و معماری ویژه‌اش به تاج‌محل می‌نازد. تاج محلی که اصول معماری‌اش، ایرانی است. ایرانیان بر این باور بودند که مسجد خانه خداست پس باید بسیار زیبا و روح‌نواز باشد. باید طوری ساخته شود که وقتی وارد آن می‌شوی، دلت نیاید آنجا را ترک کنی. مساجد قدیمی همه بر مبنای درست ساخته می‌شدند. مسجد باید رو به قبله ساخته شود تا زمان نماز مردم رو به قبله باشند. این طور نبود که قبله در مسجد زاویه‌دار باشد. مساجد را طوری می‌ساختند مردم از جبهه شمال شرقی وارد و از جبهه جنوب شرقی خارج شوند تا صف نمازگزاران شکسته نشود. مساجد در بهترین نقاط شهر ساخته می‌شدند برای همین هم آب انبار در آن لحاظ می‌شد هم سقاخانه. مسجد سپهسالار دو بخش زمستانی (چهل‌ستون) و تابستانی (گنبد مقصوره) دارد که هر کدام معماری ویژه‌ای دارند و مناسب فصل گرما و سرما هستند. این بی‌نظیر است در کمتر مسجدی در جهان چنین طراحی دیده می‌شود. گنبد مسجد «پخ» است که این هم بی‌نظیر است، در معماری اسلامی دو نوع گنبد داریم؛ ناری و شلغمی. اما این گنبد کاملا متفاوت است و آنقدر در ساختش تبحر خرج شده که کارشناسان مانده‌اند چطور این همه سال توانسته بنا را حفظ کند. چند سالی بود که دور این گنبد را داربست چیده بودند که خدا را شکر جمع‌شان کردند. مسجد سپهسالار بنایی است که هویت و سبک زندگی ایرانی. اسلامی و حتی شهرنشینی ایرانی را نشان می‌دهد و حیف است نادیده گرفته شود یا در حفظش تلاش نشود.

مقطع حساس کنونی

جایگاه سردار جمشید

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

فرمانشاه سوم. چهارمین پادشاه سلسله قیصریان که به مدت ۱۰۲ سال بر نواحی ماوراءالنهر پادشاهی کردند. پادشاهی سخاوتمند، گشاده‌دست، فراخ‌پهن و اهل بریز و بپاش بود و وقتی حالش خوش بود اطرافیان را از نعمت‌های فراوان بهره‌مند می‌ساخت. یک روز که فرمانشاه ناهار مورد علاقه‌اش را خورده بود و آروغش را زده بود و مستوفیانش نیز خراج نواحی مختلف را جمع کرده بودند و فی‌الجمله حالش خیلی خوش بود، سردارانش را فراخواند و گفت: ای سرداران، هرکس از شما از بیرون دیوار شهر تا هرکجا که یک نفس با اسبش تاخت کند، تاخت کند، آن مقدار زمین را که تاخت کرده است به او می‌بخشم. یکی از سرداران گفت: ای فرمانشاه، جمله‌تان را به فارسی سخت گفتید، اگر ممکن است به فارسی ساده نیز بگویید تا بفهمیم. فرمانشاه گفت: سوار اسب می‌شوید و یک نفس تاخت می‌کنید، تا هرجاکه تاخت کردید تا آنجا را به شما می‌بخشم. سرداران بر اسب نشستند و هریک از یک طرف ساعتی تاخت کردند و ایستادند و فرمانشاه تا آنجا را به آنها بخشید. یکی از سرداران به نام سردار جمشید که به زمین علاقه بسیار داشت، با سرعت شروع به تاختن کرد و با شلاق‌های مداوم اسبش را به تاختن بیشتر تحریک کرد و با آخرین سرعت ممکن تاخت و تاخت و تاخت، تا آن‌که نزدیک غروب اسبش صیحه‌ای بزد و به زمین افتاد و سردار جمشید ناگهان خود را گرسنه و تشنه و پیاده در وسط بیابانی بی‌آب و علف یافت و با خود گفت: حال بدون این‌که توان برگشتن داشته باشم با این همه زمین چه کنم؟ وی با آخرین توان خود تکه چوبی پیدا کرد و در زمین فرو کرد و با خون خود رویش نوشت: تا اینجا تاختم، و با تلفن همراهش که در آن روزگار هنوز اختراع نشده بود و آنتن هم نداشت چندین عکس از منطقه گرفت و در گالری ذخیره نمود و جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. چند روز بعد مأموران جسد وی را پیدا کردند و به پایتخت بردند و فرمانشاه برای وی مراسم باشکوهی گرفت و تا آنجا را که تاخته بود برای آقازاده‌های وی سند زد و دستور داد در محل وفاتش نیز یادمانی بسازند و آنجا را جایگاه سردار جمشید نامید. جایگاه سردار جمشید هم‌اکنون میعادگاه عاشقان و زمین‌خواران ماوراءالنهر است.

مرور و عبور

جام جم: ۲۰۰ سال قبل

کم شدن قدرت آمریکا در سازمان ملل

آمریکا در دومین شکست خود در صحنه بین‌المللی از کمیسیون کنترل مواد مخدر سازمان ملل نیز حذف شد. آمریکا قبل از این از کمیسیون حقوق بشر این سازمان نیز اخراج شده بود. هیات کنترل مواد مخدر با خودداری از رای دادن به نمایندگی آمریکا در این هیات آمریکا را بار دیگر با شکستی تازه مواجه کرد. (صفحه ۱۵)

کاسترو: افتخار می‌کنم در کنار ملت ایران هستم

رئیسان جمهوری اسلامی ایران و کوبا روز گذشته در یک کنفرانس خبری در تهران بر تلاش و همکاری گسترده کشورهای خواهان آزادی و استقلال برای تحقق عدالت در عرصه جهانی و استقرار نظام عادلانه بین‌المللی در قرن ۲۱ تاکید کردند. کاسترو در این نشست خبری درباره پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ گفت: برای من و عده زیادی که در آن سوی اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند ایران کشور حماسه است. ما امروزه ایران جدیدی می‌بینیم. امروز کشور شما پیشاهنگ استقلال و اعتبار و حیثیت در عرصه جهانی است. امروز تمام کشورهای مترقی و ملت‌های عاشق استقلال و عدالت در جهان ایران را کشور دوست، برادر و هم‌پیمان خود می‌دانند. (صفحات یک و ۲)

سرشماری اتباع بیگانه

دومین مرحله از ثبت‌نام اتباع خارجی برای صاحبان مدرک اقامت مجاز و غیرمجاز با به‌کارگیری ۴۰۰۰ نفر در حال اجراست. مدیرکل امور اتباع مهاجرین خارجی وزارت کشور با اعلام خبر فوق گفت: یک میلیون نفر از اتباع خارجی مقیم کشور در مرحله دوم طرح شناسایی ثبت‌نام کرده‌اند. در مرحله نخست این طرح که اسفندماه برگزار شد یک میلیون و ۳۰ تبعه خارجی دارای کارت شناسایی در کشور ثبت‌نام کردند. (صفحه ۱۳)

مولن‌روژ و شرک در جشنواره کن

پنجاه‌وچهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کن از امروز آغاز می‌شود.

به نظر منتقدان فقط بازیگران و استودیوهای فیلمسازی نیستند که شیفته کن هستند. این وضعیت شامل حال فیلمسازان مولف و غیرمولف هم می‌شود.

مطبوعات و منتقدان امسال در کن روی فیلم لوهرمن؛ فیلمساز استرالیایی تمرکز کرده‌اند. فیلم موزیکال او مولن‌روژ با بازی نیکول کیدمن و ایوان مک‌گرگور در جشنواره کن حضور دارد. امسال فیلم شرک هم که در استودیوی دریم‌ورکس تولید شده در جشنواره کن به نمایش درمی‌آید. (صفحه ۳)

جام جم

کاسترو: افتخار می‌کنم در کنار ملت ایران هستم

تبارگرایی مصالح ملی را قربانی می‌کند

جشنواره «کن» امروز کلید می‌خورد

گفت‌وگوی بوق اشغال با مهدی اخوان‌ثالث

محل تولد: گرچه فرزند خراسانم ولی جلوه‌گاهم خطه شیراز بود.
شغل؟ به عالم هر که را دیدم به کار و پیشه‌ای مشغول/ غم عالم به جان خود خریدن پیشه دارد دل.
اصل و نسب؟ ما و تو نسل‌مان به یکی اصل می‌رسد/ یعنی به عشق زنده بمانی پسرعمو.
فروغ می‌گوید، تنها صداست که می‌ماند شما چه می‌گویید؟ تنها خدا، خداست که می‌ماند.
یک دوستت دارم عاشقانه به مام میهن: تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم.
عشق؟ لبخند ملیح چهره دنیاست/ دنیا با او به‌راستی زیباست.
حکایت شما و زندگی؟ هر چه می‌گویم نر است این زندگی، گوید: بدوش/ هر چه می‌گویم که افتادم ز پا، گوید: بکوش.
عرض ارادتی به ساحت مقدس شهیدان خدایی: آنان که در طریق خدا کشته می‌شوند/ هرگز گمان مدار که نابود و مرده‌اند/ بل زنده‌اند و زنده و جاوید جملگی ... .
کلام آخر: خوشا عشق و خوشا عشق و خوشا عشق. (صفحه ۵)